

مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

موضوع:

«المهدی فی النصوص»

استاد راهنما:

حجة الاسلام آقای دکتر مؤدب حفظه الله

دانش پژوه:

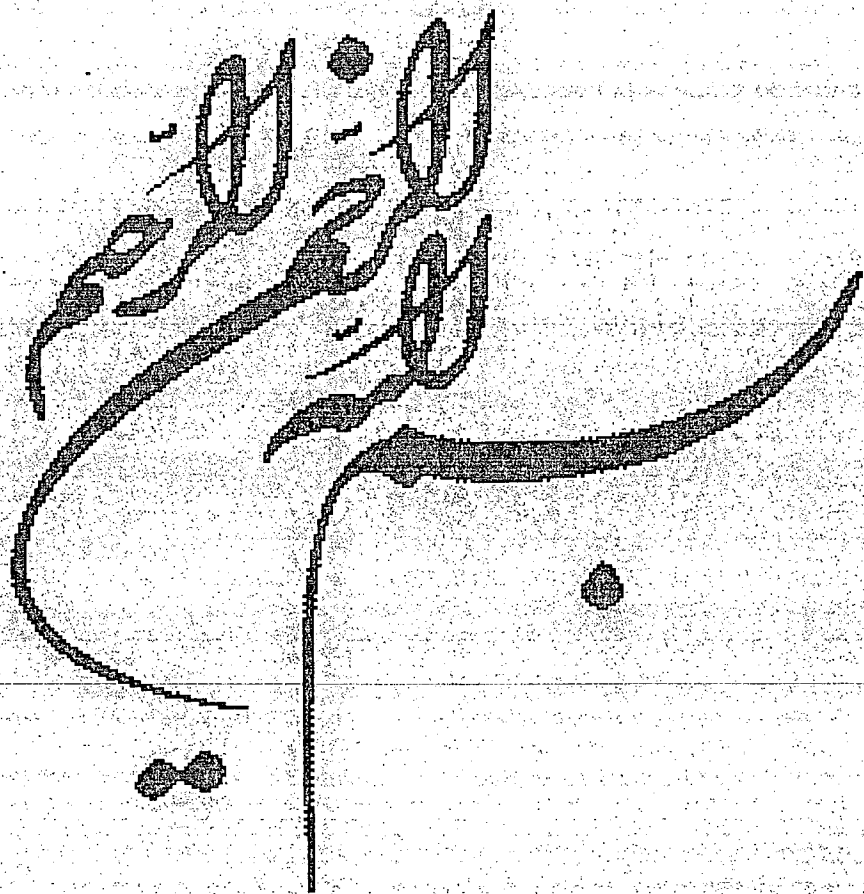
الله بخش شریفی

تاریخ: ۱۳۸۰/۶/۲۱

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۴۶۴

تاریخ ثبت:



چکیده مطالب

در مقاله " مهدی در نصوص " کوشش بر این شده است که وجود اقدس را از منابع عامه اثبات کرده شود. پس اولاً یک مقدمه را بصورت براغت استهلال آوردیم سپس شروع به مطلب کردیم اولاً اهم مطالب که قبل از نوشتن و پرداختن مقاله باشد مثلاً ضرورت امامت چیست؟ شناخت امامت چه گونه می باشد امامت در نظر رسول گرامی چه قدر اهمیت دارد نوشتیم. و حدیث نقلین که خیلی اهمیت و الائی بین احادیث دارد و تقارن وجود قرآن و وجود اهلبیت علیهم السلام را و لو یک فرد از ایشان باشد ثابت می کند مختصراً توضیح دادیم. و حدیث من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة که پر اهمیت می باشد از عامه نقل کردیم و این هم برای اثبات مطلب توان بخشیده است و در فصل سه خلافت امامت را از زبان پیامبر گرامی طرح نموده ایم که این هم بخش بخش مختلف صورت گرفته است و در فصل چهار احادیثی که در آنها اسم حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف یا اشاره بآن حضرت است جمع آوری کردیم قابل ذکر است که آیه ای که تاویل بحضرت شده قریب به هفتاد آیه است ما از آن آیات ده آیه را ذکر نمودیم سپس شروع کردیم مهدی در روایات در این روایات هر جا که اسم حضرت ولو با اسمائی ائمه دیگر ذکر شده آوردیم در این مقاله ولادت حضرت و فرزند بودن ایشان از حسن ابن علی ابن محمد ابن علی ابن الرضا ذکر کردیم و این برای ما خیلی اهمیت داشته سپس غیبت حضرت و کسانی که در حال غیبت از وجود مقدس شرفیاب زیارت شده اند ذکر نموده پس احادیثی که بر ظهور حضرت دلالت صریح نموده و در آخر چند تا اعتراض را که از خود عامه ایراد می شود جوابها را هم از خود عامه نقل نمودیم. حتی یكون الحجة البالغة وما علينا الا البلاغ.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بیشگفتار

دین اسلام کاملترین دین می باشد و قرآن کریم هم به آیه :-

(الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (۱))

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را بعنوان آیین

(جاویدان) شما پذیرفتم

به همین چیز صراحت فرموده است و همین اسلام است که نزد پروردگار عالم مقبول

ترین دین می باشد.

(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْإِسْلَامُ (۲))

دین در نزد خدا اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است و بعد از مبعوث نمودن حضرت

خاتم الانبیاء بسبب این بقیه تمام ادیان را بقول خودش

(وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۳))

و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند از او

پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است. منسوخ ساخت پیامبر گرامی که

آخرین رسول از رسلی است امانتی را که بر عهده داشت ادا نمود و رسالت سماوی را

طوری که خداوند آنرا حکم فرموده بود.

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۱))

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) به رسان و اگر نه کنی رسالت او انجام نه داده ای خداوند ترا از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می دارد و خداوند جمیع کافران لجوج را هدایت نمی کند.

به احسن وجه عمل کرده ابلاغ نمود یعنی پیامبر گرامی تمام چیزهای نازل شده را چه از قوانین و احکام باشد و چه قضایا و اخبار امتیانی گذشته باشد رساند و در این راه همه مشکلات را تحمل نمود و خداوند وعدهائی نصرت و فتح را به نبی خود و به مسلمین کرده بود و خبرهائی از حوادث و وقایع و اخبار غیبی که به پیامبر داده بود رسول گرامی همه آنها را رساند و از آن خبرهاییک خیر این هم هست.

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۲))

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آنرا بر همه آیین ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. و همین طور خداوند عالم به پیامبر خیر داد که حقاً و ارثان این زمین بندگان صالح خواهند شد (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۳))

در زیور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شائسته ام وارث (حاکم) زمین خواهند شد و خیر داده است که مؤمنین عاملین در این زمین حاکم و خلیفه خواهند بود.

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱))

خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و کارهای شائسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران رومی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت رومی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برائی آنان پسندیده یا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند (آنچنان) که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند آنها فاسقانند و چیزی ها که خداوند به پیامبر گرامی خبر داده است هیچ شک و ریب و تردید در صدق آن نمی توان کرد و وعده هائی که بآن حضرت فرموده است

(فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعْدَهُ رُسُلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو نِقَامٍ (۲))

پس گمان مبر که خدا وعده ای را که به پیامبرانش داده تخلف کند چرا که خداوند قادر و انتقام گیرنده است. و می فرماید (إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ (۳))
حقاً خداوند از وعده خود تخلف نمی کند.

پس هر چیزی که قرآن حکیم بآن خبر داده است لا محالا وجود خواهد یافت.

(وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (۱))

و کیست که از خداوند راست گو تر باشد؟

این نصوص صریحه قرآن که به وجود یافتن این وعده‌ها خبر می‌دهد ما را از مراجعه نمودن به سنت و اخباری که در این موضوع بسیار زیاد و در غایت صراحت وجود دادر بی‌نیاز می‌سازد بهر حال مهم این است که بدانیم این اخبار و وعده‌ها بر دست چه کسی و این بشارتهائی قرآن بوجود چنه کس متحقق خواهد شد و برائی تفصیل این امر از خداوند عالم استعانت می‌جوئیم و هو خیر ناصر و معین.

در باره موضوع:-

ما بر این هدف هستیم که وجود مقدس امام ثانی عشر حضرت حجت بقیه الله الاعظم علیه السلام را از منابع و روایات اهل سنت که در باره آن حضرت آمده وجودشان را در این زمان برائی آنها اثبات کنیم و به آنها متوجه سازیم که شماها بطور طعن بر اهل تشیع می‌گوئید که اینها عقیده امام غائب را دارند امامی که با غیبتش فائده ندارد همین وجود اقدس از کتب و منابع شماها اهل سنت و روایاتی که شماها نقل کرده اید ثابت است نه فقط ما شیعه‌ها قائل باین عقیده هستیم بلکه تمام ادیان قائل اند که یک منجی بشریت خواهد آمد.

وزمین را از ظلم و ستم پاک خواهد کرد فرق فقط این است که بعضی قائل باین اند که ایشان تا حال متولد هم نشده است. و بعضی قائل اند متولد شده ولی معدوم گشته و بعضی قائل بر این اند که متولد شده است. و بحکم خداوند عالم غیب است و بامر خدا ظهور خواهد کرد و همین عقیده را که حق هم هست باثبات خواهیم رسانید ما این موضوع را بصورت بخشها و فصل بندیها ذکر خواهیم نمود و هر مطلبی را بجائی خود خواهیم آورد. و قبل از این که بتحقیق مطلب پردازیم چند امر مهم را یاد آور میشویم که این چند امر برای رسیدن بتحقیق موضوع کمک خواهند کرد.

﴿ امر اول ﴾

اهمیت امامت :-

هیچ برهه ای از زمانی نیست که زمین خالی از حجت خدا و نمائنده خاص آن باشد.
 اِنَّمَا اَنْتَ مُنْدِرٌ وَّلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ :- (۱)

تو فقط بیم دهنده ای و برائی هر گروهی هدایت کننده ای هست.

وَلَقَدْ وَّصَلْنَا الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ :- (۲)

ما آیات قرآن را یکی پس از دیگری برائی آنان آوردیم شاید متذکر شوند.

در کتاب الزام الناصب فی اثبات الحجّة از کتاب اربعین از امام محمد باقر نقل می کند

لَوْ بَقِيَتْ الْاَرْضُ يَوْمًا بِلاَ اِمَامٍ مِّنَّا لَسَاخَتْ بِاهْلِهَا وَلَعَذَّبَهُمْ بِاشَدَّ عَذَابِهِ

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَأَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَنْ يَزَالَوَا فِي
 أَمَانٍ مَنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَدُّمْنَا بَيْنَ أَظْهَرِهِمْ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَهْلِكَهُمْ وَلَا يَنْظُرَ هُمْ
 ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ وَرَفَعْنَا اللَّهُ ثُمَّ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ أَحَبُّ :- (۱)

اگر زمین یک روز بدون امام از ما بماند حتمًا اهل خود را بلعد و همان روز خداوند
 آنها را بعد از سخت خود مبتلا کند ولی خداوند تبارک و تعالی ما را در زمین خودش
 حجت و امان برائی مانند گان زمین قرار داده است و آنها همه در امان اند از اینکه زمین
 آنها را بلعد و نمی تواند تا وقتی که ما در میان آنها هستیم؛

ولی وقتی که خداوند بخوهد آنان را به هلاکت برساند و بآنها مهلت هم ندهد و بنظر
 رحمت بآنها نگاه نکند ما را از بین اینها می برد سپس هر چه می خواهد و دوست می
 دارد انجام می دهد.

باین روایات و آیات قلبی مطلب روشن است که امامت چه قدر ضرورت دارد و چه قدر
 لازم است برائی مانند گان زمین.

و یک روایت دیگر از اصول کافی نقل می کنیم تا اینکه مطلب خوب روشن شده باشد
 در کتاب شریف اصول کافی: عن محمد بن مسلم قال سمعت ابا جعفر يقول كل من دان
 الله بعبادة يجهد فيها نفسه ولا امام له من الله فسعيه غير مقبول وهو ضال متحير و الله شا
 ئيء لا عماله.

فمثلہ کمثل شاة ضلت عن راعيها وقطيعها فهجمت ذاهبة وجائية يومها فلما جنها الليل بصرت بقطع غنم مع راعيها فحنت اليها واعترت بها فباتت معها في ربضتها - مريضها - فلما ان اساق الراعى قطيعه انكرت راعيها وقطيعها فهجمت متحيرة تطلب راعيها وقطيعها وبصرت بغنم مع راعيها فحنت اليها واعترت بها فصاح بها الراعى الحقى بزراعيك وقطيعك فانت تائهة متحيرة عن رايك وقطيعك فهجمت رعية متحيرة ناده يافره يولا راعي لها يرشدها الى مرعاها او يردها فيبينما هي كذلك اذا اغتتم الذئب ضيعتها فاكلها وكذا الك واللّه يا محمد من اصبح من هذه الامه لا امام له من الله جل وعز ظاهر عادل اصبح ضالا تائها وان مات على هذه الخالة مات ميتة كفر ونفاق واعلم يا محمد ان آئمة النجور واتباعهم لمعزولون عن دين الله فذضلوا واصلوا فاعمالهم التي يعملونها كرماد اشتدت به الريح في يوم عاصف لا يقدرّون مما كسبوا على شيء ذلك هو الضلال البعيد (۱)

از محمد بن مسلم نقل شده می گوید :-

از امام محمد باقر شنیدم می فرمود هر که دینداری خدائی عزوجل کند بوسیله عبادتی که خود را در آن بزحمت افکند ولی امام و پیشوای که خدا معین کرده نداشته باشد زحمتش ناپذیرفته و خود او گمراه و سرگردان است و خدا اعمال او را معوض و دشمن دارد حکایت او حکایت گوسفندی است که از چوپان و گله خود گم شده

وتمام روز سرگردان می رود و بر می گردد چون شب فرا رسد گله ای با شبان به چشمش آید بسوی آن گراید و بان فریفته شود و شب را در خواب گاه آن گله بسر بود چون چوپان گله را حرکت دهد گوسفند گم شده گله و چوپان را ناشناس بیند باز متحیر و سرگردان در جستجوی شبان و گله خود باشد که گوسفندانی را با چوپانش بیند و بسوی آن رود و بان فریفته گردد.

شبان او را صدازند که بیا و به چوپان و گله خود پیوند که تو سرگردانی و از چوپان و گله خود گم گشته ای پس ترسان و سرگردان و گمراه حرکت کنند و چوپانیکه او را به چراگاه رهبری کند یا بجایش برگردانش نباشد در همین میان گرگ گمشدن او را غنیمت شمارد و او را بخورد. بدان ای محمد که پیشوایان جور و پیروان آنها از دین خدا بر کنارند خود گمراهند و مردم مرا گمراه می کنند اعمالی را که انجام می دهند چون خاک تریست که نند بادی در روز طوفانی بان تازد از کردارشان چیزی دست گیرشان نشود این است گمراهی دور.

تحلیل روایت:

روایت ضرورت و اهمیت امامت را بیان می کند امام باقر در بیان خود انسان گمراه را تشبیه بیک گوسفند گم گشته از چوپان خود زده اند که اگر انسان هم بدون امام راه رود نمی تواند بمقصد حیات برسد بلکه بدون امام حوادث انسان را گم خواهند کرد

وهر امامی هم قابل نشان دهند راه نیست بلکه امامی باشد که از جانب خدا باشد و گرنه
بهر امامی اگر راه را پیمود آن امام به مقصد نخواهد رساند بلکه گمراه خواهد کرد
وامام در این روایت تصریح فرمودند که مردن بدون معرفت حجت خدا مردن کفر
و نفاق می باشد.

﴿ امر دوم ﴾

صفات امام :-

همین که شیعه عقیده دارند امامت همان استمرار امور نبوت است با این فرق که بر نبی
وحی قوانین و احکام می شود ولی امام محافظ و نگاهدارنده و پیاده کننده آن احکام
و قوانین است پس تمام آن خاصیتها و ارزشها و ویژگیها که نبی اعظم دارد باید امام هم
حامل آن ویژگیها و صفات آنها باشد از آن صفات
صفت علم هست :-

یعنی امام عالم تر از اهل زمان خودش باشد و علمش هم از جانب حق باشد همیشه است
که در کتاب شریف اصول کافی از صادق آل محمد علیهم السلام اینطور منقول است
﴿ قَالَ إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِلْمِينَ : عَلَمًا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَةٌ وَأَنْبِيَاءٌ وَرَسُولُهُ فَمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ
مَلَائِكَةٌ وَرَسُولُهُ وَأَنْبِيَاءٌ فَقَدْ عَلِمْنَا وَعِلْمُنَا أَثَرٌ بِهِ فَإِذَا نَدَى اللَّهُ فِي شَيْءٍ مِنْهُ أَعْلَمْنَا ذَلِكَ
وَعَرَضَ عَلَى الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِنَا ﴾ (۱)

۱ - اصول کافی ج ۱ مترجم ص ۳۷۵

امام فرمود خداى تبارک و تعالى دو گونه علم است: علمى که ملائکه و پيامبرانش و رسولانش را بآن آگاه ساخته پس آنچه ملائکه و رسولان و پيامبرانش را بآن آگاه ساخته ما هم مى دانيم: دوم علمى که به خودش اختصاص داده و هر گاه در موضوعى از آن علم بد ا حاصل شود ما را آگاه سازد و هر امان پيش از ما هم عرضه شود .
 به عقیده شیعه که امام از جانب خداوند تبارک و تعالى حاکم مطلق است باید در تمام زمینها از علوم کاملاً برخوردار باشد بلکه در زمان خودش هیچ یک از او اعلم تر نباشد او باشد از همه اعلمتر و دانا تر و این دانا نیش از طرف حق باشد.

﴿ امر سوم ﴾

کیفیت شناخت امام :-

به عقیده مذهب شیعه شناسائی امام بر عهده خود حق تعالى است که بزبان نبی خود برائى انسانها امامرا مشخص و معین می کند برای اینکه این منصب منصب الهی است و برائى تعیین هم از آنجا صورت بگیرد و خداوند در قرآن حکیم ما را نشان داده است که کار تعیین امام کار من است برای اینکه عقل انسان بر خود انسان گواه است که در اندیشه خود اشتباهات زیاد دارد ممکن است کسی را انتخاب و تعیین نماید که اهل بآن منصب نباشد ولی خداوند که عالم بجمع اشیاء و مقادیر و موازین و مصالح و مفاسد می باشد.

پس تعیین هم در دست آن کس باشد که احاطه بر تمام اشیاء دارد و آن غیر از خدا کسی نیست و خداوند کسی را منصوب خواهد کرد که هیچ لحظه ای خطا از او سرزد نشود تا حجت کامل باشد بر همین اساس می فرماید:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ ﴿۱﴾

یقیناً من در زمین خلیفه قرار می دهم.

﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ﴾ ﴿۲﴾

ای داوود ما تو را خلیفه و نماینده خود در زمین قرار دادیم پس در میان مردم بحق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد.

و جایی دیگر قرآن می فرماید ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالَ أِنِّي يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَّن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ ﴿۳﴾

پیامبرشان به آنها گفت خداوند طالوت را برای زمامداری مبعوث و انتخاب کرده است گفتند چه گونه او بر ما حکومت کند با این که ما از او شائسته تریم و او ثروت زیادی ندارد.

گفت خداوند او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم وسعت بخشیده است خداوند ملکش به هر کس بخواهد می بخشد و احسان خداوند وسیع است. و (از) لیاقت افراد برای منصب) آگاه است.

و می فرماید ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ ﴿۱﴾

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم پس این نصوص قرآنی برای ما روشن می سازد که خلافت و امامت در دست خدا است که می فرماید ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ ﴿۲﴾

خداوند دانا تر است از این که رسالت و پیام خود را در چه جایی بگذارد بعد از اتمام این چند امر وارد تحقیق موضوع می شویم که بر بخشها و فصل بندیها تقسیم میگردد و هو الموفق والمعین

بخش اول

امامت در نظر پیامبر گرامی :-

این بخش بر یک فصل مشتمل است

فصل اول : اهمیت شناخت امامت

ما در این فصل اهمیت شناخت امامت را از حدیث من مات و از حدیث ثقلین طرح خواهیم کرد و ثابت خواهیم کرد که لازماً یک فرد امام در این زمان وجود داشته باشد تا آیه ولکل قوم هاد و حدیث ثقلین مضداق خارجی داشته باشند.

الف : حدیث من مات -

در مسند طیبالی روایت شده و می گوید حدثنا ابو داؤد قال حدثنا خارجه بن مصعب عن زید بن اسلم عن بن عمر قال سمعت رسول الله يقول من مات بغير امام مات میتة الجاهلیة ومن نزع یداً من طاعة جاء یوم القیامة لاجحة له. (۱) صاحب مسند طیبالی می گوید برای ما ابو داؤد بیان کرد و برای او خارجه بن مصعب و ایشان از زید بن مسلم و زید از ابن عمر نقل کرد و او گفت من از پیامبر شنیدم فرمود هر کس بدون امام بمیرد او بموت جاهلیت مرده است و هر کس دستش را از اطاعت کوتاه سازد روز قیامت در حالی می آید که برای او هیچ حجتی نخواهد بود.

۱- کتاب من هو المهدی ص ۶-۷ نقل شده از مسند طیبالی ص ۲۵۹-۲۵۸ حیدر آباد دکن هند

صاحب کتاب من هو المهدی می نویسند که در کتاب نفحات اللاهوت ص ۱۳ طبع
 العری آمده: وروی من قول نبی من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة. ☆ ﴿۱۵﴾
 از نبی گرامی قولش روایت شده که فرمود هر کس که بمیرد و معرفت امام زمان خود را
 نداشته باشد بموت جاهلیت مرده است. در کتاب ینابیع المودة از سلیمان قندوزی
 اینطور آمده است: المناقب احمد ابن حنبل بالسند عن عیسی بن السری قال قلت
 لجعفر الصادق حدثنی عما ثبت علیه دعائم الاسلام اذا اخذت بها زکا عملی

☆ در این حدیث علامه بهجت آفندی از علماء عامه در کتاب تاریخ آل محمد ص ۱۹۸
 طبع تهران حاشیه زده می نویسند: وقتی که حدیث من مات... بین علماء مسلمین متفق
 علیه است پس خیلی کم است که یک مسلمان باشد و اعتماد بوجود امام منتظر نداشته
 باشد و ما معتقدیم که مهدی صاحب العصر و الزمان در شهر سامراء مولود شده و باین
 امام وراثت نبوت و امامت منتهی شده و حقا حکمت الهی مقتضی است که سلسله امامت
 را تا روز قیامت حفظ نماید و یقینا عدد آئمه بعد از پیامبر معین و معلوم است و به مقتضای
 حدیث معتبر روایت شده در صحیحین که الخلفاء بعدی اثنا عشر کلهم من قریش عدد
 آئمه دوازده است (عبارت را از متن عربی ترجمه کردیم)

ولم یضرنی جهل ما جهلت قال شهادة ان لا اله الا الله وان محمداً رسول الله والاقرار بما جاء به من عند الله وحق فی الاموال من الزکاة والاقرار بالولاية التي امر الله بها ولاية آل محمد قال رسول الله من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية قال الله عز وجل اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منكم فكان علی صلوات الله علیه ثم صار من بعده الحسن ثم حسین ثم من بعده علی بن الحسین ثم من بعده محمد بن علی وهكذا يكون الامر ان الارض لا تصلح الا بامام ومن مات لا يعرف امامه مات ميتة جاهلية ﴿١﴾

در مناقب احمد ابن حنبل با سند از عیسی ابن السری گفت: من به امام جعفر الصادق گفتم براء من چیزهایی بیان فرما که از کان اسلام بر او استوار و ثابت است اگر من آنها را بگیرم عمل من پاک شود و مرا در باره چیزهایی که نمی دانم جهالت ضرر نه رساند امام فرمود: گواهی دادن باینکه غیر از خدا معبودی نیست و محمد پیامبر خدا است و اقرار نمودن بآن چیزها که او از طرف خدا آورده و زکات دادن از اموال و اقرار نمودن ولایتی که خدا با او امر کرده که ولایت آل محمد است پیامبر فرمود هر کس بمیرد و معرفت و شناس امام زمان خود را نداشته باشد مرده است بموت جاهلیت؛ خدای عز و جل می فرماید خدا را اطاعت کنید و از پیامبر فرمانروائی کنید و از اولی الامر که از شما است.

پس صاحب امر علی بود پس حسن و حسین و بعد از ایشان علی ابن الحسین و پس از ایشان محمد ابن علی و همینطور امر خواهد بود زمین برای ماندن صلاحیت ندارد مگر بامام و کسی که بمیرد و امامش را نمی شناسد بموت جاهلیت مرده است.

تحلیل :

از این حدیث روشن می شود که برائی هر زمان بودن امام لازم و ضروری است و با بودن او شناخت او و اطاعت از او از لوازمات است اگر در زمان خودش و زندگی خودش امام زانه شناخت مردن انسان مثل مردن سایر جانداران می شود که از علم و دانش بهرانی ندارند.

ب: حدیث ثقلین :

این حدیث بین فریقین متواتر است و پیامبر گرامی این حدیث را در جاهای مختلف بیان فرموده اند راویان حدیث هم در چهار موضع را بیان کرده اند.

الف: روز عرفه و تئیکه پیامبر بر ناقه خودش که قصوری نام داشت سوار بودند.

ب: در مسجد حیف در منی ذکر فرمودند.

ج: در خطبه غدیر موقع حجة الوداع.

د: در خطبه ای که روز قبض روح طیبه خوانده بودند.

﴿مسند حدیث ثقلین﴾

این حدیث با این که از روایان با اختلاف کلمات قله و کثرة نقل شده ولی تواتر این حدیث محفوظ است و جانی نقد نه دارد و همین حدیث را در شصت و پنج کتاب آورده اند ممکن است غیر از این کتب هم آمده باشد. در کتاب صحیح ترمذی اینطور نقل شده قال حدثني علي بن منذر كوفي حدثنا محمد ابن فضيل قال حدثنا الاعمش عن عطيه عن ابي سعيد والاعمش عن حبيب ابن ابي ثابت عن زيد ابن ارقم قال قال رسول الله اني تارك فيكم ما ان تمسكنم به لن تضلوا بعدى. احدهما اعظم من الآخر كتاب الله جل ممدود من الماء الى الارض وعترتي اهل بيتي ولن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما ﴿١﴾

ترمذی باسناد خودش از زید ابن ارقم نقل کرده می نویسد: زید ابن ارقم گفت و پیامبر فرمود من در میان شما و اگذار می کنم تا وقتی که با آن جنگ زدید بعد از من هرگز نمی شوید از هر دو یکی بزرگتر از دیگری است کتاب خدا که ریسمانی است کشیده شده از آسمان به زمین و عترت من که اهل بیت من هستند و این دو هرگز جدا نخواهند شد تا اینکه پیش من بحوض کوثر برسند (پس توجه شما بر این باشد) که چه طور بعد از من در این هر دو جانشینی من می شوید